

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

برخورد با شکوه و نیر و بخش جهانی صلح

روز ۲۱ ژوئن در سالن بزرگ وزیای ورزشی دینامو در برلن، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، جلسه با شکوه برخورد جهانی صلح با شرکت نمایندگان ۵۶ سازمان بین‌المللی و ۲۲۰ سازمان ملی و ده‌ها نفر از شخصیت‌های فرهنگی، مذهبی و

سیاسی از ۱۰۱ کشور قاره‌های مختلف جهان با پیام منطقی، مستدل و تشویق آمیز صدر شورای کشوری و دبیر اول حزب سوسیالیست متحده آلمان رفیق والتر اولبریشتم بوسیله رفیق آلبرت نردن عضو بوروی سیاسی حزب مزبور و رئیس هیئت نمایندگی جمهوری دموکراتیک آلمان و با حضور ویلی اشتوف نخست وزیر آلمان دموکراتیک، افتتاح گردید. تالار چون دریایی از هزار و صد و چند نفر نماینده موج میزد. زبانها گوناگون، رنگها مختلف، ملیتها متنوع، عقاید و افکار سیاسی و مذهبی جور و واجور و در یک کلام ناهمگونی ملی، نژادی، مذهبی و ایدئولوژیکی بنحو بارزی مشهود بود، ولی این ناهمگونی مانع از آن نشد که در محیط بسیار آزاد و دوستانه‌ای با وجود اختلاف نظرها، در مسئله عمومی و مشترک بشریت یعنی حفظ صلح جهانی به نتایج واحدی برسند. هدف این تجمع بزرگ بررسی و تبادل نظر در باره مسائل مشخصی بود که حل آنها شرایط لازم را برای برقراری یک صلح پایدار فراهم میآورد. ویتنام، اقلیت اروپائی، بحران خاور میانه، کولونیا لیسیم، نئوکولو نیالیسم، استقلال ملی و خلع سلاح مسائل اساسی مورد بحث باین برخورد بود.

در جلسه افتتاحی پس از آلبرت نردن بانوئی باریک اندام و کوچک که در مرکز تریبون قرار داشت از جای برخاست و بسمت جایگاه سخنرانی روان گردید. همراه او تمام دنباله در صفحه ۶

و طول جریان تدارک کنفرانس را دلیل ضعف جنبش کمونیستی و کارگری جلوه دهند. در واقع جنبه همگانی مباحثات و شرکت جمعی فعال احزاب کمونیستی و کارگری در تنظیم و اصلاح اسناد نه تنها دلیل ضعف جنبش نیست بلکه خود یکی از علل نیرومندی و جاندارای جنبش کمونیستی و کارگری است که علیرغم نظریات گوناگون موفق شده است بوسیله مباحثات منطقی و آفریننده و بقدرت اصول مارکسیسم-لنینیسم عمده ترین مسائل جهان معاصر را مورد تجزیه قرار دهد، احزاب برادر را در پیرامون این تحلیل و نتیجه گیری مجتمع سازد و سندی که منعکس کننده نظریات جمعی است به تصویب کنفرانس برساند.

چه طی جلسات تدارکی کمیسیونها و چه در خود کنفرانس مباحثات نشان داد که باوجود اختلاف نظر در باره ای از ارزیابیها که بطور عمده ناشی از تنوع شرایط مبارزه در درون محیط‌های مشخص نبرد احزاب کمونیستی و کارگری است، اکثریت قریب باتفاق احزاب برادر در مورد تحلیل وضع کنونی جهان، مسائل اساسی جنبش و وظائف مبرمی که در برابر مجموع نهضت و هر یک از احزاب قرار دارد اتفاق نظر دارند.

نخستین جلسه مشاوره احزاب که بمنظور تبادل نظر در باره لزوم تشکیل کنفرانس در فوریه سال ۱۹۶۸ در بوداپست منعقد گردید از همان آغاز موافقت کامل احزاب شرکت کننده را در پیرامون این مسئله مرکزی که عبارت از تکیه بر نقاط مشترک و اجتناب از مطلق کردن اختلاف نظر در ارزیابیها و سرایت دادن آن بعموم مسائل مورد بحث است نشان داد. عنوانی که در همان جلسه باتفاق آراء برای دستور کنفرانس و سند عمده مورد مباحثه آن انتخاب گردید، خود بطور بارز این اراده متفق وحدت جویانه احزاب کمونیستی و کارگری را نشان میدهد. در واقع دستور مورد تصویب که عنوان سند

دنباله در صفحه ۲

بارزیم ترور و اختناق مبارزه کنید! (ساواک قربانیان تازه‌ای را شکنجه میدهد)

بقرار اخبار رسیده و اطلاعاتی که در برخی از نشریات خارج از کشور نیز درج گردیده است بار دیگر گروهی از مخالفان رژیم بچنگ دژخیمان ساواک افتاده‌اند. اینها ۲۱ تن از روشنفکرانند که در مرحله بازجوئی بسختی شکنجه شده‌اند. خبر دستگیری این روشنفکران، چنانکه شیوه رژیم است، در مطبوعات ایران درج نگردیده بازداشت و سرنوشت آتی آنان در لافاه ای از سکوت پوشانیده شده است. بعلاوه اخبار واصله از زندان قصر حاکی از تضییقات مأمرین زندان به زندانیان سیاسی، حبس برخی از آنان در سلولهای مجرد معروف به «کاودانی» است. تجاوزات مأمرین زندان خشم زندانیان سیاسی را برانگیخته و موجب اعتصاب غذائی شده است که در آن چهل تن از زندانیان سیاسی زندانهای ۳ و ۴ قصر و از آنجمله روحانیان زندانی مانند حجت الاسلام انواری و حجت الاسلام حجتی کرمانی در آن شرکت جسته‌اند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان های شماره ۳ و ۴ قصر در محافل روحانی ایران در عراق انعکاس یافت و منجر بارسال تلگراف اعتراض از جانب جمعی از طلاب ایرانی نجف گردید.

وضع زندانیان توده‌ای نیز از هر باره رقت انگیز است. رفیق ماعزیز یوسفی ۱۶ سال از زندگی خود را در زندانهای مختلف کشور گذرانده و اکنون نیز در زندان برازجان است. رفیق ملا غنی بلوریان تازه عروسی کرده بود که دستگیر شد و اکنون دنباله در صفحه ۶

در کنگره جهانی زنان در هلستینکی چه گذشت؟

جامعه از میان برخاسته باشد، معینا چون در جهان امروز کوششهای پیوسته زنان در کشور های خود در راه بدست آوردن حقوقشان روز بروز تزايد مییابد برای کمک به پیشرفت آن باید نیروهای مترقی زنان تمام جهان متحد گردند.

چه در گزارش دبیر کل و چه در سایر گزارش‌های مربوط به محیط کار و محیط خانواده، همه جا خاطر نشان گردیده بود که پایه و اساس خوشبختی زن در دنیائی بیعدالتی باشد. و اهمیت استقلال ملی و صلح و آزادی دموکراتیک برای تأمین حقوق زن نه تنها در گزارش مربوط باین مسئله بلکه در تمام گزارشها و سخنرانیهای نمایندگان به روشنی منعکس بود.

سخنرانی نمایندگان ویتنام که جنایات فجیع امریکائها را در برابر چشم همه مجسم میکرد هیچانی ترین لحظات کنگره بود و اراده زنان را برای حفظ صلح و مبارزه با نیروهای جنگ طلب نشان میداد.

دنباله در صفحه ۵

کنگره جهانی زنان که از طرف فدرا - سیون دموکراتیک بین‌المللی زنان جهان دعوت شده بود با شرکت ۴۸۲ نماینده از ۹۸ کشور از تاریخ ۱۴ تا ۱۷ ژوئن در هلستینکی تشکیل گردید. ۳۰ تشکیلات بین‌المللی نماینده باین کنگره اعزام داشته بودند از جمله انجمن ملل متحد دو نماینده و اونسکو یک نماینده اعزام داشته بود.

دبیر کل فدرا سیون خانم سسیل هوزل در ضمن سخنرانی جامع خود که عنوان آن «نقش زن در جهان امروز» بود بروشنی توضیح داد که امروز دیگر آزادی زن امری نیست تنها مربوط باو و زندگی او بلکه امری است مربوط بتمام اجتماع و نمیتوان آنرا جدا از سایر عوامل حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفت.

بانو والتینا ترشکوا زن نام آور جهان و نخستین قضا نورد زن که ریاست کمیته زنان شوروی را بعهده دارد گزارش زن در محیط کار را قرائت کرد. او گفت: «تساوی کامل افراد یک جامعه وقتی میتواند واقعاً به حقیقت پیوندد که استثمار فرد از فرد در آن

کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری

سراسر جهان و در کلیه عرصه‌های مهم حیات اجتماعی اعم از اقتصاد و سیاست، ایده‌نولوژی و فرهنگ شدت در گرفته است. خصلت نمای تکامل دوران معاصر این است که امپریالیسم ابتکار تاریخی خود را از دست داده و تعیین‌کننده جهت عمومی تکامل انسانیت سیستم جهانی سوسیالیستی، طبقه کارگر بین‌المللی و تمام نیروهای انقلابی جهانست.

تحلیل حوادث ده سال اخیر، بررسی موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی که در نقاط مختلف جهان نصیب نیروهای انقلابی گردیده است، نکات مهم زیرین را روشن می‌سازد:

۱ - تجاوز کاری امپریالیسم و پیش از همه اقدامات تجاوز کارانه بزرگترین قدرت امپریالیستی یعنی ایالات متحده آمریکا تشدید یافته است. پایه سیاست تجاوز کارانه امپریالیستی عبارتست از کاهش در تضعیف مواضع سوسیالیسم، سرکوب جنبش‌های رهاشی بخش و خاموش ساختن مبارزه زحمتکشان کشورهای سرمایه داری بمنظور متوقف ساختن پروسه محتوم زوال سرمایه داری.

۲ - امپریالیسم نتوانسته است بکمتی تعرض متقابل و غیرمغز دسوارها و ناکامی‌های برخی از گردانهای جنبش انقلابی تناسب نیروها را بسود خویش دگرگون سازد.

۳ - اعتلاء روزافزون قدرت اقتصادی سیاسی و نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همچنین سیاست خارجی صلح‌جویانه این دولت‌ها، مبارزات پرولتاریای بین‌المللی و همه رزمندگان ضد امپریالیستی و خواستاران رهاشی ملی، وسعت دامنه جنبش دفاع از صلح تاکنون مانع از آن شده‌اند که جنگ جهانی دیگر درگیرد. حوادث ده سال اخیر بیش از پیش چهره واقعی امپریالیسم آمریکا را بنمایشه استمارگر و زاندارم جهانی و دشمن آشتی‌ناپذیر جنبش‌های رهاشی بخش ملی آشکار ساخته است.

۴ - در عین حال با آنکه امپریالیسم بعنوان سیستم جهانی نیرومندتر نشده همچنان برای صلح، استقلال ملی و ترقی دشمنی جدی و خطرناک است.

۵ - برای پایان دادن باعمال تبه‌کارانه امپریالیسم و جلوگیری از اینکه بتواند بشریت را بمصائبی باز هم سخت‌تر دچار سازد اتحاد و اقدام مشترک طبقه کارگر، نیروهای انقلابی دموکراتیک و خلقهای جهان ضرور است.

نظر به همین جهات است که سند بدرستی ضرورت تشدید نبرد علیه اقدامات تجاوز کارانه امپریالیسم و مبارزه در راه حفظ صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را تصریح می‌کند و باز بر مبنای همین تحلیل است که اهمیت قاطع اتحاد نزدیک و عمیق سه نیروی عظیم انقلابی جهان معاصر یعنی کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر بین‌المللی و جنبش‌های رهاشی بخش ملی را قویاً خاطر نشان می‌سازد زیرا چنین وحدت عظیمی تمام نیروهای ضد امپریالیستی، دموکراتیک

و ترقیخواه را در مقیاس جهانی بیکدیگر پیوند میدهد.

نیروی جازم در مبارزه ضد امپریالیستی

سیستم جهانی سوسیالیستی است

در بخش دوم سند سه نیروی انقلابی اساسی جهان معاصر مورد تحلیل قرار گرفته و موقعیت هر یک از آنها در نبرد مشترک ضد امپریالیستی بیان شده است. در آغاز بخش مزبور این حکم اساسی تصریح شده است که نقش قاطع و جازم را در نبرد ضد امپریالیستی سیستم جهانی سوسیالیستی ایفا می‌کند. این سیستم و پیش از همه اتحاد شوروی برای کلیه مبارزات آزادیبخش پشتیبان بی بدلی است.

در واقع سیستم جهانی سوسیالیستی و پیش از همه اتحاد شوروی در تحقق هدف مشترک نیروهای ضد امپریالیستی سهم بیمانندی ادا می‌کند. حاجت با استدلال نیست که انقلاب سوسیالیستی اکسیر، ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، شکست فاشسم آلمان و ملبتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب در چین و در یک رشته از کشورهای اروپا و آسیا، تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی در قاره آمریکا، یعنی جمهوری کوبا و پیدایش و توسعه سیستم سوسیالیستی جهانی مرکز از ۱۴ کشور، شرایط تسریع تکامل تاریخی را بوجود آورده، راه‌های از رفیت امپریالیستی، پیشرفت و شکست‌کنی هماهنگ اجتماعی، استقرار یک دموکراسی واقعی و شرکت حقیقی توده‌های وسیع مردم در اداره امور جامعه، برابری بین ملت‌ها و دوستی بین آنها را گشوده است. سیستم جهانی سوسیالیستی با قدرت عظیم مادی و معنوی خود نه تنها به دوران تسلط بلامنازع امپریالیسم بر جهان پایان بخشیده است بلکه بنشانه مهم‌ترین تکیه‌گاه همه نیروهای استقلال، دموکراسی، صلح و ترقی بیش از پیش عرصه را بر امپریالیسم تنگتر می‌کند و گسترش روزافزون دامنه فعالیت این نیروها و تأثیر مقاومت و اقدام آنها را علیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع امکان پذیر می‌سازد.

از اینروست که سند مصوب کنفرانس چنین تصریح می‌کند: «بیش از پیش بنحو بارز بین «سیاست اعمال قدرت» که امپریالیسم بکار میبرد و امکانات واقعی وی تضاد جدی بروز می‌کند».

جنگ ویت نام درخشانترین نمونه این تضاد بین نقشه‌های تجاوز کارانه امپریالیسم و توانایی انجام آنهاست. ناتوانی امپریالیسم آمریکا، بزرگترین و مقتدرترین نیروی امپریالیستی جهان، در برآوردن خلق قهرمان ویت نام خود بمنزله شکست تاریخی نقشه‌های تجاوز کارانه سیاسی و نظامی امپریالیسم امریکاست که بدینوسیله نه تنها در نظر داشت یکی از دژهای مقدم سوسیالیسم را در آسیا منهدم نماید بلکه در صدد بود با پیروزی بر خلق ویت نام ضرب شخصی به جنبش‌های رهاشی بخش ملی در مجموع خود وارد آورده خلقها را از پشتیبانی و همبستگی

کشورهای سوسیالیستی و زحمتکشان جهان نا امید سازد. قهرمانی بینظیر خلق دلآورد ویت نام، خردمندی سیاسی جمهوری دموکراتیک ویت نام و جنبه آزادیبخش ملی ویت نام جنوبی، کم‌کم‌های همه جانبه کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه آنها اتحاد جماهیر شوروی، همبستگی عظیم بین‌المللی - این نقشه‌های تجاوز کارانه را با شکست روبرو ساخت.

عدم موفقیت امپریالیسم آمریکا در سرکوب انقلاب کوبا و انهدام جمهوری انقلابی این کشور، عقیم ماندن نقشه‌های امپریالیستی در خاور میانه دائر به سرنگون ساختن رژیم‌های مترقی کشورهای عربی بوسیله تجاوز اسرائیل و بمنظور جلوگیری از اوج جنبش‌های ملی خلقهای این منطقه و اشغال مجدد مواضع اقتصادی، سیاسی و نظامی از دست رفته نیز نمونه‌های دیگری از تضاد موجود بین سیاست قدرت نمایی امپریالیسم و امکانات واقعی اوست.

اهمیت درجه اول رشد قدرت اقتصادی مصوب سوسیالیستی برای تحقق هدف‌های مشترک

سند مصوب کنفرانس پس از تصریح نقش مهمی که سیستم جهانی سوسیالیستی در تحقق هدف مشترک نیروهای ضد امپریالیستی ادا می‌کند، انجام این نقش قاطع را قبل از هر چیز معلول رشد قدرت اقتصادی سیستم جهانی سوسیالیستی میدانند و برای تحکیم مواضع سوسیالیسم در مبارزه ضد امپریالیستی و افزایش نفوذ وی در میان زحمتکشان جهان نکات ذیل را خاطر نشان می‌سازد:

۱ - توسعه سریع اقتصاد سیستم سوسیالیستی، که اینک رشدش بیش از کشورهای سرمایه داری است، مواضع پیشرفته‌ای که وی در بسیاری از بخشهای دانش و فن اشغال نموده است، گشایش راههای آزادی بوسیله اتحاد شوروی و تمام ثمرات کار آفریننده خلقهای کشورهای سوسیالیستی در برتری نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بر نیروهای امپریالیستی نقش قاطعی ایفا می‌کند.

۲ - آماده نمودن و بکار بستن اشکال اقتصادی و سیاسی کاملتری که مقتضای جامعه پیشرفته سوسیالیستی است و اکنون دیگر بر ساختمان اجتماعی نوینی تکیه دارد برای استفاده کاملتر از امکانات و ذخائر عظیمی که در نهاد سیستم نو نهفته است شرایط مساعدی بوجود می‌آورد.

۳ - فعالیت سیاسی روزافزون زحمتکشان، گسترش دامنه فعالیت خودمختار سازمانهای توده‌ای آنها، بسط حقوق فردی، مبارزه بی‌امان علیه پدیده‌های بوروکراسی، تکامل هماهنگ دموکراسی سوسیالیستی نیروهای سوسیالیسم را در چندان می‌کند و موجبات وحدت اراده و عمل تمام خلق را فراهم می‌سازد. تکمیل دموکراسی سوسیالیستی

کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری

لیستی، ارتقاء نیروهای بار آور، پیشرفت سیاسی و فرهنگی، اعلاء ارزشهای انسانی و معنوی موجب افزایش نفوذ سوسیالیسم در میان زحمتکشان سراسر جهان میگردد و مواضع سوسیالیسم را در مبارزه جهانشمول ضد امپریالیستی اش تحکیم میکنند.

۴ - گسترش هر چه وسیعتر انقلاب علمی و فنی، که بصورت یکی از میدانهای نبرد بین سرمایه داری و سوسیالیسم در آمده است یک خواست مؤکد جامعه سوسیالیستی است.

۵ - پیدایش و گسترش جهان سوسیالیستی جزء لاینفک مبارزات طبقاتی در عرصه جهانی است. دشمنان سوسیالیسم از کوشش های د در راه برکندن بنیاد حکومت سوسیالیستی، به شکست کشاندن تحولات سوسیالیستی جامعه و استقرار مجدد سلطه خود دست برانمیازند. یکی از وظائف واجب دولت سوسیالیستی اینست که با تکیه بر توده های وسیع مردم تحت رهبری طبقه کارگر و پیشاهنگ کمونیستی آن این تلاشها را با قاطعیت به عقب راند.

۶ - دفاع از سوسیالیسم وظیفه انترنا-سیونالیستی کمونیستهاست. ترقیات و تحکیم هر کشور سوسیالیستی شرط اساسی پیشروی سیستم جهانی سوسیالیستی است.

مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی

در باره مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی، سند عمده کنفرانس پس از آنکه همکاری میان کشورهای سوسیالیستی را در همه زمینه ها و از جمله در مورد تحکیم نیروی دفاعی پیمان ورشو (تا هنگامیکه بلوک تجاوزکارانه آتلانتیک وجود دارد) بمثابة یکی از مهمترین وظایف احزاب کمونیستی کشور های سوسیالیستی تلقی میکند، بذکر اصولی میپردازد که این مناسبات باید بر پایه آن قرار داشته باشند.

این اصول عبارتند از انترناسیونالیسم پروлетری، کمک و پشتیبانی متقابل، برابری حقوق، حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

در سند این نکته پنهان نشده است که استقرار نوع جدیدی از مناسبات بین المللی و توسعه اتحاد برادرانه میان دولتهای سوسیالیستی پیرو سه تاریخی پیچیده و بفرنجی است، زیرا پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در چند کشور ساختمان سوسیالیسم با اشکال گوناگون بر پایه قوانین عام و با توجه به شرایط تاریخی مشخص و ویژگیهای ملی هر کشور ادامه یافته و بهمین سبب دشواریها و

اختلافاتی در جریان این پیرو سه بوجود آمده است.

در مورد بروز اختلافات میان کشورهای های سوسیالیستی در سند به چند نکته اساسی توجه شده است.

۱ - سرشت سوسیالیسم میرا از آن قبیل تضاد هائی است که در ماهیت سرمایه داری نهفته است.

۲ - اختلافاتی که بین کشورهای سوسیالیستی بروز میکند از تفاوت سطح تکامل اقتصادی و ساختمان اجتماعی و موقعیت بین المللی کشورهای مزبور و یا از خصوصیات ملی آنها ناشی میشود.

۳ - هنگامیکه بین کشورهای سوسیالیستی اختلافاتی بروز میکند میتوان و باید آنها را بر بنیاد انترناسیونالیسم پرولتری، از راه مذاکرات و همکاری برادرانه و داوطلبانه حل و فصل نمود.

۴ - اختلافات مزبور هیچگاه نباید امکان یابند که جبهه متحد دولت های سوسیالیستی علیه امپریالیسم را بگسلند.

۵ - رژیم اقتصادی و اجتماعی مشترک، انطباق منافع و هدف هائی که بر پایه آن کشورهای سوسیالیستی تکمیل یافته اند خود وثیقه غلبه بر دشواریهاست و ضامن آنست که وحدت سیستم سوسیالیستی بر مبنای اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری استحکام یابد.

نقش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری

در مورد دومین نیروی بزرگ انقلابی عصر ما سند عمده کنفرانس متذکر میشود که «در درون دژهای سرمایه داری طبقه کارگر نیروی محرکه عمده پیکار انقلابی در مجموع جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی است». در این قسمت از سند، اندیشه مرکزی اینست که در کشورهای سرمایه داری پیشرفته امکانات مبارزه علیه امپریالیسم برای دفاع از منافع زحمتکشان، برای دموکراسی و سوسیالیسم افزایش یافته است.

برای اینکه بتوان تحولات دموکراتیک بنیادی را نامیرالیسم تحمل نمود و راه سوسیالیسم را گشود ضرورت وحدت طبقه کارگر و لزوم اتحاد وسیع طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران و طبقات متوسط شهری علیه انحصارها و قدرت آنها مصرأ در سند عمده کنفرانس تأکید شده است. سند مزبور شرکت روز افزون جوانان، زنان، روشنفکران را در مبارزات عظیم انقلابی عصر ما متذکر شده جنبه ذاتا انقلابی و مثبت تمایلات بخش عظیمی از آنان را خاطر نشان میسازد و بهمین سبب اهمیت دلالت این نیرو ها را در جاده صحیح انقلابی و کشاندن آنها را برآه اتحاد نزدیک با جنبش کارگری و پیشاهنگ کمونیستی آن گوشزد میکند.

حکم اساسی که بر تمام این قسمت از

سند حکومت میکند اینست که در این کشور ها بیش از پیش شرایط سیاسی برای تحولات اقتصادی و اجتماعی بنیادی و برای گذار به سوسیالیسم فراهم میاید. در دوران کنونی نه تنها مبارزه طبقه کارگر و توده های وسیع زحمتکشان برای بهبود وضع اقتصادی خویش شدت یافته بلکه نبرد آنان در راه خواستهای سیاسی نیز نیرومندتر شده است. زحمتکشان

در عین اینکه برای دفاع از منافع حیاتی خود برخاسته اند بمنظور تحصیل حقوق اجتماعی و آزادیهای دموکراتیک نیز مبارزه میکنند. بیش از پیش کلیه خواستهای آنان علیه دستگاه استیلای سرمایه انحصاری و بر ضد قدرت سیاسی آن توجه یافته است. بیش از پیش توده های وسیع زحمتکش در صدد تغییر اساسی در سیستم اقتصادی هستند که بر پایه بهره کشی از انسان قرار دارد.

نبردهای طبقاتی دوران اخیر ضربه بر پندار هائی است که از جانب هواداران نو سرمایه داری (نئو کاپیتالیسم) و رفورمیسم انتشار یافته است. حوادث مزبور با نیروی تازه تری اصول بنیادی مارکسیسم - لنینیسم

را تأیید نموده اند. احزاب کمونیستی و کارگری برخلاف اپورتونیستهای راست و چپ مبارزه برای خواستهای اقتصادی و اجتماعی عمیق و برای استقرار یک دموکراسی پیشرو را در مقابل مبارزه برآمده سوسیالیسم قرار نمیدهند، بلکه بعکس مبارزه برای خواستهای مزبور را جزء جدا ناپذیر پیکار برای سوسیالیسم میسرند. تحولات دموکراتیک ریشه ای که در جریان مبارزه علیه انحصارها و بر ضد تسلط اقتصادی و قدرت سیاسی آنها تحقق مییابند موجب آن میگردد که توده های بیش از پیش وسیعتری بضرورت سوسیالیسم پی ببرند.

همگرایی منافع طبقه کارگر، دهقانان، قشر های متوسط شهری و روشنفکران و نیز بسط اتحاد آنها، پایه اجتماعی حکومت انحصارها را محدود تر و تضاد های درونی آنها را تشدید میکند و امر بسیج توده های وسیع را برای مبارزه ضد انحصاری و ضد امپریالیستی تسهیل مینماید. بتدریج که وحدت عمل ضد انحصاری و ضد امپریالیستی بسط مییابد شرایط مساعدی بمنظور تجمع تمام جریانهای دموکراتیک بشکل اتحاد سیاسی آماده میشود، آنچنان اتحاد سیاسی ای که قادر باشد بطور قاطع نقش انحصارها را در حیات اجتماعی محدود سازد، بحکومت سرمایه بزرگ پایان بخشد، رژیم مستقر نماید که تحولات سیاسی و اقتصادی بنیادی را تحقق بخشد و بدان وسیله مساعدترین شرایط را برای تعقیب مبارزه در راه سوسیالیسم فراهم آورد.

جنبش رهائی ملی مرحله نوینی با گذشته است

سومین نیروی عظیم انقلابی عصر ما جنبش رهائی بخش خلیقهای آسیا، افریقا و امریکا لاتین است. در نتیجه فرو ریختن سیستم مستعمراتی مواضع امپریالیسم بنحو شایانی تضعیف گردیده و نقش جنبش ضد امپریالیستی خلیقهای این قاره ها در پیرو سه انقلابی جهانی باز هم افزایش یافته است. مضافا بر اینکه جنبش مزبور در برخی از کشورهای این مناطق با مضمونی ضد سرمایه داری در میآیزد.

پیدایش تعداد بزرگی از دولتهای ملی در کشورهای آسیائی و افریقائی تغییرات فاحشی در چهره سیاسی جهان پدید آورده و به تغییر تناسب نیروها بزبان امپریالیسم کمک نموده است. در برخی از این کشورها نقش اجتماعی و فعالیت سیاسی طبقه کارگر افزایش یافته است و مناسبات بین المللی که بین پرولتاریای جوان کشورهای آسیائی و افریقائی و طبقه کارگر کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری بوجود میاید بیش از پیش اهمیت بیشتری کسب میکند.

مجموع این عوامل باعث آن شده است که در بسیاری از کشورهای آسیا و افریقا جنبشهای رهائی بخش ملی وارد مرحله نوینی گردد.

در این قسمت از سند پس از آنکه اهمیت بزرگ پیکار مسلحانه خلیق های موزامبیک، گینه، بی سو، زیمباب وه، نامی بی و افریقای جنوبی، برای خاتمه دادن به تسلط استعماری و تأمین آینده افریقا و صلح گوشزد میشود، به نقش ارزنده ای که جنبش رهائی بخش خلیقهای عربی در مبارزه علیه امپریالیسم ایفا میکنند و تأثیر مثبتی که جنبش مزبور در تمام نهضت ضد امپریالیستی و ضد استعماری در خاور میانه و افریقا اعمال مینماید اشاره شده است. سند کنفرانس قویا این نکته را تصریح میکند که: «مبارزه خلیقهای عرب علیه امپریالیسم و علیه تجاوز اسرائیل جزء لاینفک مبارزه عمومی است که میان نیروهای آزادی و سوسیالیسم در سراسر جهان از یکسو و امپریالیسم بین المللی از سوی دیگر درگیر است».

سپس سند عمده کنفرانس بسمت مهم دیگری که در غالب کشورهای مستقل آسیا و افریقا بموازات وظایف مربوط به تحکیم و دفاع از حاکمیت و استقلال سیاسی مطرح شده است میپردازد و متذکر میشود که در این کشورها: «از میان برداشتن عقب افتادگی اقتصادی، ایجاد یک اقتصاد ملی و از جمله تأسیس یک صنعت مستقل، اعلاء سطح زندگی توده های مردم بصورت مسائل گرهی رشد اجتماعی در آمده اند». کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری متفقاً باین نتیجه میرسد که حل این مسائل مستلزم آن است که تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی انجام شود، اصلاحات ارضی دموکراتیک به

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری

سود دهقانان زحمتکش و با شرکت دادن خود آنها بوقوع پیوندد، مناسبات قوتوت فتودالی و ماقبل فتودالی التاء گردد، به تسلط انحصار های خارجی پایان داده شود، حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه دولتی از بیخ و بن دموکراتیزه شود، فرهنگ ملی وسنت های مترقی آن تکامل یابد، احزاب انقلابی تحکیم شوند و در آنجا که چنین احزابی وجود ندارند تشکیل گردند.

در دنبال این تحلیل، اشکال ویژه رشد در کشورهای آسیایی و افریقائی مورد توجه قرار گرفته است. سند پس از آنکه از راه غیر سرمایه داری که برخی از دولتهای نو استقلال بان روی آورده اند سخن میگوید و آنرا بمشابه راهی معرفی میکنند که پایان دادن « به عقب ماندگی دیرینه و گذشته استعماری را امکان پذیر میسازد و شرایط لازم را برای انتقال به جاده تکامل سوسیالیستی فراهم میسازد »، باین واقعیت توجه میکند که: « کشورهای هائی که راه سرمایه داری در پیش گرفته اند توفیق نیافته اند حتی یکی از مسائل مطرحه در برابر خود را حل نمایند. ارتجاع داخلی که مواجهه با نارضائتی روز افزون مردم است به تجاوز خود نسبت با آزادیهای دموکراتیک میافزاید و در برخی موارد بیرحمانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده ها را سرکوب میکند.

اختلافات ملی، نژادی، مذهبی، عشیره ای یا زبانی را دامن میزند و بدینطریق استقلالی را که کشورهای مزبور بدست آورده اند بخطر میاندازد.»

این قسمت از سند مکمل تحلیل بخش اول آن در باره نقش امپریالیسم علیه جنبش رهائی ملی در کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین و از جمله در کشور ما ایران است. در بخش نخست چنین آمده است:

«امپریالیسم در مبارزه علیه جنبش رهائی بخش ملی از سوئی سرسختانه از بقایای استعمار دفاع میکند و از سوی دیگر میکوشد تا با اسالیب نو استعماری ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای رشد یافته را که حاکمیت ملی بدست آورده اند مانع گردد.

برای این منظور بمحافل ارتجاعی کمک میرساند، جریان از میان بردن نظامات عقب مانده اجتماعی را ترمز میکند و میکوشد تا سیر تکامل این کشورها را در جاده سوسیالیسم یا راه مترقی غیر سرمایه داری که دور نمای سوسیالیستی را میگشاید، دچار مشکلات سازد. امپریالیستها باین کشورها قرار داد های اقتصادی و پیمانهای نظامی و سیاسی که

و نقطه چرخش تاریخی که با انقلاب کوبا و تأسیس نخستین دولت سوسیالیستی قاره امریکا آغاز گردیده مورد تحلیل قرار گرفته است و از اعتلاء روز افزون جنبش ضد امپریالیستی در این کشورها، اشکال گوناگون مبارزه ضد امپریالیستی (مبارزه مسلحانه و غیر مسلحانه) و شرائط مساعدی که برای بسیج توده ها و اتحاد بین کارگران و دهقانان و سایر نیرو های ضد امپریالیستی بوجود آمده سخن رفته است.

پلاتفورم مشترک وحدت عمل و وظایف مبرم جنبش جهانی ضد امپریالیستی

تحلیل حوادث ده سال اخیر یکبار دیگر صحت تعریفی را که در باره مضمون عمده عصر ما داده شده است بشیوت میرساند: عصر ما دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است.

از هم اکنون امکانات واقعی حل مسائل گرهی بشریت بسود صلح، دموکراسی و سوسیالیسم وجود دارد. امکان ایراد ضربه های تازه ای بر امپریالیسم هم اکنون وجود دارد و از جمله میتوان سیاست تجاوز کارانه و جنگ طلبانه ویرا باشکست مواجه ساخت.

بنا بر چنین ارزیابی از حوادث و تحلیل اوضاع جهان است که کنفرانس پلاتفورم مشترک وحدت عمل و وظایف مبرم جنبش جهانی امپریالیستی را در بخش سوم سند بیان میکند. این خط مشی مشترک را کنفرانس نه تنها با احزاب کمونیستی و کارگری بلکه تمام نیرو های ضد امپریالیستی سراسر جهان پیشنهاد میکند.

برای اجراء این وحدت عمل ضد امپریالیستی بمقیاس جهانی، شرکت کنندگان کنفرانس متفقاً بر این عقیده بودند که باید دموکراتیک ترین اسالیب را چه در مقیاس ملی و منطقه ای و چه در عرصه بین المللی برای انجام این منظور مورد استفاده قرار داد و احزاب شرکت کنند در کنفرانس متفقاً بر آن بودند که باید برای تحقق این هدف ویژه گهای هر یک از جریانهای ضد امپریالیستی و تمایلات خاص آنها مورد نظر قرار گیرد. «همکاری که بدینطریق با اشکال مورد پسند همگانی و موافقت مشترک صورت خواهد گرفت موجب آن میشود که مبارزه ضد امپریالیستی بسطوح عالیتری که منطبق با خواسته های وضع کنونی باشد نائل آید.»

در شرایط کنونی نخستین هدف وحدت عمل ضد امپریالیستی عبارت از جدی ترین

پشتیبانها از خلق قهرمان ویت نام است. کنفرانس از همه علاقمندان بصلح و استقلال ملی دعوت میکند که برای وادار ساختن امپریالیسم امریکا بخارج ساختن نیرو های خود از ویت نام و پایان دادن بمداخلات در امور داخلی این کشور و احترام به حق خلق ویت نام در تعیین مستقلانه مسائل خویش بر مجاهدات خود بیاورند. «پیروزی کامل میهن پرستان ویت نامی برای تحکیم مواضع خلقها در مبارزه خود علیه سیاست تحمیل و خودسری امپریالیستی واجد اهمیت اصولی

هدف دیگراساسی وحدت عمل عبارت از مبارزه علیه جنگ و در راه صلح جهانی است. خطر یک جنگ هسته ای و نابودشدن جماعات که ناشی از آنست همچنان مردم جهان را تهدید میکند. با این وجود میتوان بوسیله متحد ساختن کوششهای کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر بین المللی، جنبش آزادیبخش ملی و تمام دولتها، سازمانها و جنبش های صلح طلب، مانع از آن گردید که جنگ جهانی تازه ای درگیرد.

مبارزه برای همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهائی که دارای سیستم های اجتماعی متفاوتند از نبرد در راه صلح جدائی پذیر نیست. کنفرانس هدفهای سیاست همزیستی مسالمت آمیز را بشرح زیرین تصریح نموده است:

۱ - جلوگیری از خطر بروز یک جنگ هسته ای،

۲ - حل مسائل مورد اختلاف بین المللی از راه سیاسی و مذاکرات،

۳ - وادار ساختن امپریالیسم با احترام حاکمیت، تمامیت ارضی و برابری حقوق عموم کشورها،

۴ - عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و احترام بحق خلقها در حل مسائل مربوط به رژیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش.

کنفرانس بر آنست که سیاست همزیستی مسالمت آمیز در عین حال برای حل مثبت مسائل اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد شرایط مساعدی بوجود میآورد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز بهیچوجه بمعنای پشتیبانی از رژیمهای ارتجاعی نیست و حتی هیچ خلق مورد ستمی را در پیکار برای رهائی خویش، از جمله بوسیله مبارزه مسلحانه، محدود نمیسازد. این حق مسلم خلقهاست که علیه حملات و تجاوزات امپریالیستها مسلحانه از خود دفاع نمایند و در این مبارزه مشروع از پشتیبانی خلقهای دیگر برخوردار گردند.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز کوشش های امپریالیسم را، که بمنظور حل تضادهای درونی خود اوضاع بین المللی را وخیم میسازد و کانونهای جنگ را مشتعل نگاه میدارد، عقیم میکند. این سیاست نه بمعنای حفظ وضع

موجود اجتماعی و اقتصادی و نه بمعنای تضعیف مبارزه آیدئولوژیک است، بلکه بعکس شرایط مساعدی برای مبارزه علیه امپریالیسم چه در مقیاس داخلی و چه در عرصه بین المللی فراهم میسازد. مبارزه توده ها علیه امپریالیسم یکی از شرایط موفقیت سیاست همزیستی مسالمت آمیز است.

برای حفظ صلح فوری ترین وظیفه جلوگیری از پخش و نشر سلاحهای هسته ای و اجراء قرارداد عدم انتشار این سلاحهاست. دنباله در صفحه ۵

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری

ایجاد مناطق میرا از سلاحهای هسته ای برای سالم ساختن محیط بین المللی و ایجاد اعتماد میان دولتها واجد اهمیت شایانی است. کوشش اساسی باید متوجه منع سلاح هسته ای گردد تا بتوان نیروی هسته ای را منحصرآ برای هدفهای مسالمت آمیز بکار برد.

مبارزه علیه میلیتاریسم بهر شکلی که تجلی نماید، نبرد علیه مسابقه تسلیحاتی، برای تقلیل اساسی بودجه های نظامی، برای خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل مؤثر بین المللی، جزئی از پیکار بخاطر حفظ صلح و منطبق با منافع بنیادی خلقهاست. مصالحت صلح جهانی ایجاد میکند که بلوک بندیهای نظامی حذف شود، در اروپا سیستم امنیت جمعی برقرار گردد، مرزهای کنونی کشور های اروپا و بویژه سرحدات اودر- نایسه و سرحدات میان جمهوری دمو کراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان محترم شمرده شود، جمهوری دمو کراتیک آلمان قانوناً برسمیت شناخته شود و مصونیت کشور های بیطرف بلاشرط مورد پذیرش قرار گیرد.

کنفرانس همه نیروهای ضد امپریالیست را علیه اعمال تجاوز کارانه امپریالیسم، ایجاد جنگهای محلی و بکار بردن اشکال دیگر مداخله در هر نقطه ای از جهان که باشد، بوحثت عمل و مبارزه مشترک دعوت میکند. کنفرانس پشتیبانی کمونیستها را با مبارزه خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین در راه استقلال و حاکمیت ملی، برای رهایی

از تسلط اقتصادی و سیاسی امپریالیستها و انحصار های بزرگ، بهر شکلی که تجلی کند، در راه پایان دادن به سیستم اتحادها و بیمانی نظامی که از جانب امپریالیستها تحمیل میشود، برای حذف پایگاههای نظامی خارجی و استقرار مناسباتی که رشد آزاد هریک از خلقها را تأمین میکند، اعلام میدارد. «پاک کردن کامل زمین از طاعون

استعماری، رویدن آخرین کانونهای آن و جلوگیری از پیدایش مجدد استعمار در شکل های مستور، از واجبات عصر ما است». کنفرانس همه مردم شریف جهان، تمام هوا داران دموکراسی را بوحثت عمل در راه پایان دادن به بقایای استعمار و مبارزه علیه استعمار نوین دعوت میکند.

کنفرانس تشدید مبارزه علیه خطر فاشیسم و مقابله سرسخت علیه اقدامات نژو فاشیستی را یکی از وظایف عمده جنبش و یکی از هدفهای مشترک وحدت عمل تلقی میکند. مبارزه علیه رژیمهای فاشیستی جزئی لاینفک مبارزه علیه امپریالیسم و پیکار برای آزادیهای دموکراتیک است. وظیفه مشترک همه دموکراتها، همه هواداران آزادی، صرف نظر از عقاید سیاسی و نظریات فلسفی و دینی آنها، اینست که بر پشتیبانی خود نسبت

به نیروهای ترقیخواهی که علیه این کانونهای ارتجاع و فاشیسم یعنی دولتهای اسپانیا و پرتغال دار و دسته سرهنگهای مرتجع یونان و باند های اولیگارشیک و نظامی امریکای لاتین، علیه کلیه رژیمهای مستبد تابع امپریالیسم امریکا مبارزه میکنند، بیفزایند.

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری پس از آنکه از تمام مردم شرافتمند جهان دعوت میکند که مساعی خود را علیه ایدئولوژی و عمل غیر انسانی نژاد پرستی متحد نمایند و جنبش اعتراضی هر چه وسیعتر را علیه «این ننگ عصر ما که عبارت از بیداد بیرحمانه نسبت به ۲۲ میلیون سیاه پوست امریکائی است» و علیه ترور نژادی در افریقای جنوبی و رودزی، گسترش دهند، مسئله مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک پرداخته آنرا بمنزله یکی از وظایف اساسی مبارزه ضد امپریالیستی و یکی از هدفهای عمده اتحاد عمل تمام نیروهای ترقیخواه تلقی میکند.

در سند عمده کنفرانس راجع به این مسئله که از لحاظ مبارزات مردم کشور ما در مرحله کنونی اهمیت بسزائی دارد چنین تصریح شده است:

«مبارزه علیه امپریالیسم، که در خفه کردن آزادیهای بنیادی انسان کوشاست، نبرد خستگی ناپذیری را برای دفاع و بدست آوردن آزادی کلام، آزادی مطبوعاتی، آزادی اجتماعات و تظاهرات و تشکیلات، برای برابری تمام افراد جامعه و دموکراسی- تیزاسیون همه جهات حیات اجتماعی، ایجاد میکند. باید با تمام کوششها و همه قوانین

ارتجاع که متوجه نابود کردن حقوق و آزادیهای دموکراتیک، حقوق و آزادیهای که طی نبردهای طولانی طبقاتی بدست آمده است، بطور قاطع مقابله نمود. باید چه در مقیاس ملی و چه در عرصه بین المللی برای نجات میهن پرستان و دموکراتهای که جانشان در معرض خطر قرار گرفته است، علیه احکام ظالمانه ای که محاکم علیه کمونیستها و سایر میهن پرستان صادر میکنند، برای آزادی زندانیان میهن پرست و دموکرات و برای دفاع از حقوق پناهندگی سیاسی، بطور سیستماتیک مبارزه نمود».

مسئولیت های ملی و بین المللی در بخش چهارم سند مسائل مربوط به روابط بین احزاب کمونیستی و کارگری مطرح شده است. هریک از احزاب بر مبنای اصول مارکسیسم - لنینیسم و بنا بر شرایط ملی ویژه خود در تنظیم سیاست، جهت اشکال و اسالیب مبارزه و در تعیین راه گذار بسوسیالیسم و نیز در باره اشکال و اسلوبهای ساختمان سوسیالیسم در کشور خود مختار

در کنگره جهانی زنان در هلستینکی چه گذشت؟

نمایندگان ایران در جلسات و بحثهای مختلف شرکت کردند. نماینده ایران در سخنرانی خود در تأیید گزارش جامع دبیر کل فدراسیون و سایر گزارشها گفت:

«ما معتقدیم که صلح و استقلال ملی و آزادی دموکراتیک زیر بنای خوشبختی خانواده هاست و با حقوق زنان بستگی کامل دارد. در کشورهایی که این عوامل زیر پا گذاشته شود خوشبختی خانواده و تأمین حقوق زن میسر نخواهد بود. در کشورهایی که نظیر کشور ما مردم از استفاده از حق آزادی دموکراتیک و ابراز نظرات خود محروم باشند هرگونه قانون یا اعلامیه یا سند رسمی دیگری هر چند ظاهر پسند باشد قوت خود را از دست میدهد و بفرمولهای بی ثمری تبدیل میگردد. دولتهایی که در داخل کشور خود آزادی دموکراتیک را رعایت نمیکند تعهداتشان در محافل بین المللی نظیر انجمن ملل متحد، تشکیلات بین المللی کار، اونسکو و غیره در عمل بعد اقل و گاهی به صفر تنزل مییابد.

در کشور های در حال رشد عوامل اقتصادی گاه حتی دولتهای غیر دموکراتیک را وامیدارد که برای کشاندن زن از خانه بهرصه کار و تولید کوششهایی برای بهبود وضع او بنمایند. بنظر ما زنان این کشورها در عین حال که از مبارزه نهایی خود برای از بین بردن عوامل غیر دموکراتیک دست بر نخواهند داشت، وظیفه دارند که از موقعیت های عرضه شده استفاده کرده و در عین حال تقاضاهای نهایی خود را بیان آورند و مستقل است.

در عین حال هر حزب فعالیت و مسئولیت های ملی خود را با مسئولیت های بین المللی خوش متحد میسازد یعنی اولاً در نظر میگیرد که هر کامیابی و هر شکستی که نصیب او میشود در وضع مجموع نهضت مؤثر است و ثانیاً همراه با احزاب دیگر کمونیستی و کارگری و سایر نیروهای ضد امپریالیستی در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، برای صلح و آزادی ملتها و پیشرفت سوسیالیسم بطور فعال شرکت میکند.

وظیفه انترناسیونالیستی هر حزب عبارت از اینست که با تمام وسائل ممکنه در راه بهبود مناسبات بین احزاب برادر و ایجاد اعتماد متقابل بین آنها بکوشد و همه مساعی لازمه را برای تحکیم وحدت جنبش کمونیستی بین المللی بکار برد.

«وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، اخلاص بدون قید و شرط نسبت بمنافع ملت خود، نسبت بامبر مشترک سوسیالیسم شرط لازم اثر بخشی سمت گیری صحیح وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و وثیقه کامیابی آنها در مبارزه ای است که در راه هدفهای تاریخی خوش انجام میدهند».

روز ۱۸ ژوئن یعنی بلافاصله پس از کنگره جهانی ششمین کنگره فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برای انتخاب از گانهای رهبری تشکیل و در بدو اعلام جلسه یکدقیقه ییاد بود مادام اوژنی کوتون رئیس فقید فدراسیون که خاطره او در دل زنان جهان جاودانی است سکوت اعلام گردید و سپس کنگره بکار خود ادامه داد. خانم هر تا کوئوسی ن از اتحادیه زنان فنلاند به ریاست فدراسیون بین المللی زنان انتخاب گردید.

فدراسیون کار خود را با تأیید مدارکی مربوط به حقوق زن و برنامه کار آینده فدراسیون که از طرف کنگره جهانی تهیه شده بود خاتمه داد.

جزوه چهارم کابیتال

منتشر شد. بها ۴ ریال

تعمیر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در دستکهم (سوئد) بارادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

بر خورد با شکوه و نیرو بخش جهانی صلح

تالار بخرکت آمد، همه از جا برخاستند و با شوری ناگفتنی بدست زدنی بی پایان برای این جبهه ظریف پرداختند، کوئی تالار با سقف و ستونش جان گرفته، به پرواز آمده، با این صد ها نفر مروش بکوره ای از آتش عواطف و احساسات بشری تبدیل شده و با صدائی رعد آسا میگرد و آسمان بران را میلرزاند. مدت درازی طول کشید تا کف زندها و هیجانان فرو نشست و خانم نکون تی بین، وزیر خارجه حکومت موقت انقلابی ویت نام جنوبی و رئیس هیئت نمایندگی این دولت در کنفرانس صلح پاریس بسخن آغاز کرد. با گفتاری شیرین و رسا از یک طرف دل بستگی مردم ویت نام جنوبی را به صلح و از طرف دیگر اراده راسخ این ملت قهرمان را به نبرد تا پیروزی قطعی بر امپریالیسم درنده آمریکا و حکومت دست نشانده سابقین، اعلام داشت. دروغهای نیکسن را در باره صلح ویتنام افشا نمود و سیاست گذاری مردم ویت نام را از حکومت آلمان دموکراتیک و مردم آن و همچنین از تمام نیروهای صلح دوست و ضد امپریالیستی جهان بگوش حاضران رساند. این صحنه بار دیگر موقعی که وزیر فرهنگ جمهوری ویتنام سخنرانی کرد، تکرار شد. شخصیت های دیگران از قبیل کریشنامون نماینده مجلس هند و وزیر جنگ سابق این کشور و خالد محیی الدین راجل فرهنگی معروف مصر از تشدید درجه تهاجم و درندگی امپریالیسم که جهان را بجزنگ نابود کننده امی تهدید میکند و از لزوم تشدید مبارزه بخاطر صلح سخن گفتند چند نفر از نمایندگان گروه های مذهبی کاتولیک و پروتستان در اروپای غربی و همچنین کاندیدای مترقی ریاست جمهوری در آمریکا که بیش از دو میلیون رأی در انتخابات اخیر بدست آورده بود در پشتیبانی از صلح و مبارزه علیه خطر جنگ داد سخن دادند. سپس جلسه با تقسیم کار در پنج کمیسیون که هر کمیسیون نیز غالباً به سه یا چهار سو کمیسیون بخش میشد، وارد فعالیت و کار مشخص خویش در باره مسائل مهم پنجگانه فوق الذکر، گردید. از عصر روز ۲۱ ژوئن تا ساعت چهار بعد از نصف شب روز ۲۳ ژوئن بحث و تبادل نظر جدی بعمل آمد. هیئت نمایندگی ایران در کمیسیون خاور میانه در قسمت اول این کمیسیون که بتخلیل سیاسی این منطقه و بحران آن پرداخت، شرکت نمود و نظر خود را در باره مسئله اسرائیل و همچنین نسبت به رویه دولت ایران در مورد عراق، اعلام داشت. در نطقی که از طرف این هیئت در سو کمیسیون ایراد شد پس از محکوم کردن تجاوز امپریالیسم بوسیله صهیونیسم بکشور های عربی صراحتاً گفته میشود که: «ما خواستار تخلیه بی قید و شرط و فوری نیروهای اسرائیل از مناطق اشغالی کشور های عربی هستیم. ما معتقدیم که باید این مشکل را از طریق سیاسی بر اساس تصمیم شورای امنیت ملل متحد مورخ

میباشد. صلح در اروپا احترام به مرزهای موجود و ایجاد یک سیستم امنیت جمعی را که بوسیله آن انحلال بلوک ها ممکن گردد، مبطلد.»

گرچه متن قطعنامه های پنجگانه در جرائد منتشر شده ولی تیکه هائی از بعضی آنها را نقل میکنیم:

۱ - در قطعنامه مربوط به استعمار پس از بیان اشکال جدید نئو کولونیالیسم و با تصریح باینکه با وجود تضعیف امپریالیسم بعزت وجود اردو گاه سوسیالیسم و جنبشهای آزادیبخش، ماهیت غارتگرانه امپریالیسم تغییر نکرده، چنین ذکر میشود: «امریکا، آلمان غربی و پرتقال و سایر نیروهای تجاوز کار در یک اتحادیه امپریالیستی متحد شده اند. اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و صلح لازم است تا باین پیمان تجاوز کار مقابله کند.»

۲ - در قطعنامه کمیسیون خاور میانه چنین میخوانیم: «در بین سخنرانان در این باره که اسرائیل باید فوراً و بدون قید و شرط نیرو های خود را از مناطق اشغالی بیرون برد، وحدت نظر کامل وجود داشت... بسیاری از سخنرانان طرفدار اجرای قطعنامه شورای امنیت مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ که از طرف شورا با اتفاق آراء تصویب و از جانب اسرائیل رد شده است، بودند.»

۳ - در قطعنامه مربوط به خلع سلاح پس از بیان انواع وسائل امحاء جمعی و تذکر مخاطرات مسابقه تسلیحاتی گفته میشود که «باتوجه بضرورت اقدامات مهم و مشخصی برای خلع سلاح در آینده بسیار نزدیک، از تمام سازمانهای بین المللی و ملی که طرفدار صلحند، میطلبیم فعالیت خود را برای هدف مهم و حیاتی خلع سلاح عمومی و کامل، تشدید کنند.»

۴ - در قطعنامه مربوط بویت نام برنامه ۱۳ ماده ای برای کمک ب مردم قهرمان ویتنام جنوبی با اتفاق آراء بتصویب رسید که از طرف نیرو های صلح باید اجرا شود.

سخنرانی پایان کار از طرف آقای چندرا رئیس جلسه با کلماتی مهیج و مؤثر و با تشکر صمیمانه از جمهوری دموکراتیک آلمان که سخاوتمندانه تمام وسایل کار را فراهم کرده بود بعمل آمد و جلسه در حالی که نمایندگان یکدیگر را بغل کرده و سرایا سرشار از نیروی تازه ای برای مبارزه در راه صلح بودند پایان یافت.

تشکیل چنین جلسه با عظمت و شکوهی باین وسعت در بیستین سال تأسیس شورای جهانی صلح نشان دهنده این واقعت است که جنبش صلح روز بروز نیرو میگيرد و این نوید روان بخش بگوش هوش میرسد که وجدان بشریت در جریان نبرد بخاطر صلح بیدار میگردد، نیروهای یزدانی بهم میوندند و اگر راه همکاری و همزرمی پوئیده شود دورنمای صلحی بیدار برغم نیروهای اهریمنی در جلو چشم میبارد ها مردم جهان که خواهان زندگی آزاد، مرفه و مستقل هستند پدیدار میگردد. شرط کامیابی: مبارزه بیگینر علیه امپریالیسم، علیه استبداد و ارتجاع و علیه تجاوز و تعدی بتمام اشکال آن میباشد.

۱. گویا

با رژیم ترور و اختناق مبارزه کنید!

۱۸ سال است که در زندان بسر میرید. سازمان امنیت پس از انتقال رفقای ما پرویز حکمت جو برای معالجه بزندان شیراز و علی معتمدی بزندان اصفهان، مانع انتقال گاکیک آوانسیان و صابر محمدزاده و آصف رزمیده (که آنان نیز از بیمارهای گوناگون رنج میرند) به تهران شده است. علی خاوری همچنان در زندان بندر عباس است و سازمان امنیت نمیکندارد برای معالجه چشم های خود به تهران منتقل شود.

یکی از سنن حزب ما دفاع صمیمانه و بیدریغ نه تنها از زندانیان توده ای، بلکه از همه کسانی است که، صرف نظر از عقاید سیاسی و جهان بینی خود، بسبب باینداری در قبال رژیم، مورد تجاوز و خودسری وی قرار گرفته اند. حزب ما، رادیو و مطبوعات بازگ خود را در مجامع بین المللی در اختیار اجرای این وظیفه مقدس قرار داده است.

در بخش سوم سند اصل مصوب کنفرانس تاریخی احزاب کمونیستی و کارگری نیز ضرورت اتخاذ همین روش بهمه شیفتگان آزادی و دموکراسی توصیه شده است. در این بخش از جمله چنین میخوانیم: «وظیفه مشترک همه دموکراتها، همه هواداران آزادی، صرف نظر از عقاید سیاسی و جهان بینی و اعتقادات مذهبی اشان آنست که نیرو های ملی و مترقی را که بر ضد کانونهای ارتجاع فاشیستی (مانند دولتهای اسپانیا و پرتقال و گروه سرهنگهای ارتجاعی یونان) و الیکارشی نظامی امریکای لاتین و بر ضد همه رژیمهای ظالمانه ای که در خدمت امپریالیسم امریکاست، مبارزه میکنند بشکل مؤثر

مورد پشتیبانی قرار دهند.» بنا به همین سنت است که ما ضرور میدانیم یکبار دیگر بازگ خود را علیه ترور و اختناق در ایران که هر روز قربانیان تازه ای را بکام میکشد بلند کنیم.

رژیم جنایتکار ایران در معادله مترقی جهان کاملاً بهمین عنوان شناخته شده است. در سند معتبر و تاریخی کنفرانس احزاب کمونیستی، در بخش چهارم در باره رژیم های خونخوار جهان و از جمله ایران چنین گفته شده است: «ما با خشم و نفرت کامل تضییقات و ترور خونینی را که در اثر آن هزاران و هزاران نفر از کمونیست ها و سایر

دموکراتها و انقلابیون در اندونزی، اسپانیا، پرتقال، یونان، بولیوی، برزیل، کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا، پاناما، پاراگوئه، گواتمالا، افریقای جنوبی، تایلند، هائیتی، مالزی، ایران، فیلیپین و برخی دیگر از کشورها قربانی شده اند، محکوم میکنیم. ما همبستگی خود را با همزمان خویش که در شکنجه گاههای رژیمهای فاشیستی و دیکتاتوری در زندانهای کشور های سرمایه داری رنج میرند و برای آزادی خود مبارزه میکنند اعلام میداریم.»

حزب ما که خود از امضا کنندگان این سند والای انقلابی است در قبال تبه کاری های تازه رژیم سخن بهتری ندارد که بر این جملات پر شور مزید کند.